



مفهوم‌سازی حرم به مثابه مشقی برای سیاست خارجی دولت اسلامی در عصر دولت - ملت

محمد کمالی گوکی^۱

چکیده

عصر مدرن که پس از تعریف انسان جایگزین خدا در مکتب اومانیسزم ظهور یافت، علیرغم دستاوردهای مادی بسیار، با بحران معنا و معنویت مواجه شد. انسان اروپایی، در راستای رفع این بحران از طریق هویت‌های برساخته‌ای مانند ملی‌گرایی عمل کرد. اما تکیه بسیار بر هویت ملی خود منجر به بحران جدیدی به نام ملت‌پرستی و تلاش برای نشان دادن برتری قومی و نژادی یک ملت بر ملت‌های دیگر شد. این بحران در جهان اسلام نیز با شکل‌گیری دولت‌های مبتنی بر ملیت خود را نشان داد و سوالی که ذهن اندیشمندان اسلامی و از قضا این پژوهش را درگیر خود کرده، این است که مسلمانان، علیرغم تأکید دین بر امت واحده و به حاشیه راندن هویت‌های ملی، در عصر ملت‌گرایی و شکل‌گیری مرزهای سیاسی، چه نگاهی به ملت باید داشته باشند؟ به تعبیر دیگر در دوگانه ملت-امت کدام ارجحیت دارد؟ در پاسخ به این سوال سه دسته نظریه، ملی‌گرایی، اسلام‌گرایی، ام‌القرآ- مطرح می‌شود، که در این پژوهش با اتکا به روش اسنادی، ضمن تحلیل و نقد این سه نظریه، کنش، منش و بینش شهید سلیمانی در این خصوص تدقیق می‌شود. هدف این مقاله ارائه دلایلی برای ورود ایران به پرونده‌های منطقه‌ای است. به نظر می‌رسد اصطیاد منش سلیمانی، مشق خوبی برای حل دلایل ایران برای ورود به بحث منطقه است.

کلیدواژه‌ها: سلیمانی، ملت، امت، حرم، مرزهای سیاسی، اسلام

مقدمه و بیان مسئله

ظهور تدریجی تمدن غربی پس از رنسانس که مبتنی بر عقل خود بنیاد بشر و بریده از عالم معنا بود؛ سبب ظهور بسیاری از «پدیده‌ها» و «مفاهیم» جدید شد. مدرنیته غربی شکافی آشکار با جهان سنتی ایجاد کرد. این شکاف در عرصه‌های مختلف ظهور و بروز داشت؛ از نگاه متفاوت انسان به طبیعت تا نگاهی دیگرگونه به هستی و حتی خود انسان در سنت میراندولایی^۱. این نگاه متفاوت در عرصه اجتماع و مناسبات انسانی نیز مطرح بود. یکی از این عرصه‌ها شکل‌گیری مفهوم و اندیشه دولت-ملت در اواسط قرن ۱۷ میلادی بود. این اندیشه میان انسان‌ها بر مبنای نژاد، زبان و یا تاریخ، مرزهایی سیاسی و حقوقی می‌کشید و انسان‌ها را با نام یک هویت بر ساخته از هم جدا می‌کرد. این پدیده که خود یکی از پیامدهای انسان جدا افتاده از خداست، ریشه جنگ‌های جهانی شد که انسان‌ها برای نشان دادن برتری ملت بر ساخته خود در آن مشارکت می‌کردند. این درحالی است که در اندیشه دینی به جای مفهوم «ملت» از مفهوم «امت» استفاده می‌شود که انسان‌ها را بر اساس اعتقاد به توحید که امری فراتر از نژاد، قومیت و تاریخ است، دسته بندی می‌کند. با این وجود مسئله ملیت اگرچه امری بر ساخته محسوب می‌شود اما در عصر کنونی دسته بندی‌های سیاسی بر پایه آن شکل گرفته‌اند و همچنین علقه‌ای که معمولاً افراد به نزدیکان خود دارند، باعث می‌شود گاهی میان خود و دیگری مرزهایی بکشند. بدین سان می‌توان گفت پس از فروپاشی خلافت عثمانی و شکل‌گیری دولت‌های مبتنی بر ملت در گستره جهان اسلام، و شکل‌گیری مفهوم ملیت ایرانی در دوران رضاشاه، اندیشمندان اسلامی با بحران فکری مواجه شدند. این بحران، ناشی از دوگانه ملت-امت بود؛ یعنی از یکسو با واقعیتی به نام مرزهای سیاسی مبتنی بر **ملت** مواجه شده بودند و از سوی دیگر با اندیشه **امت** اسلامی روبرو بودند. راه حل این بحران در اندیشه، اندیشمندانی چون رشید رضا، مودودی و محمدالریس در عالم نظر مطرح بود که عموم اینها ضمن پذیرش ملیت، به دنبال احیای امت اسلامی بودند، اما این طرح‌ها در عالم نظر ماند و امکان عملی شدن آنها به دلیل ضعف تئوریک می‌مکن نشد. در این پژوهش ما قصد داریم با اتکا به کنش، منش و پیش شهید سلیمانی، نسبت دین با مولفه ملت را مورد واکاوی قرار دهیم و حل این

۱. برای بررسی ریشه‌های اومانیزم اروپایی رجوع کنید به مقاله انسان تعین ناپذیر در اندیشه پیکودلامیراندولا؛ بنیانی برای حقوق بشر غربی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۱۳۹۹. نوشته نویسنده همین مقاله.

بحران ملت-امت را از کنش شهید سلیمانی طلب کنیم. برای رسیدن به راه حل مطلوب، ما در ابتدا پس از بیان پیشینه پژوهش، چهارچوب مفهومی پژوهش را در قالب دو مفهوم ملت و امت تشریح می کنیم و دیدگاه شریعت اسلام را در این خصوص تبیین می کنیم. سپس چهارچوب نظری پژوهش را با اتکا به نظریاتی که تاکنون تشریح شده است را بیان می کنیم. آنگاه با به کارگیری روش اسنادی، رویکرد شهید سلیمانی را در خصوص این مسئله واکاوی و در انتها راه حل مسئله محوری این پژوهش را در مکتب سلیمانی تحلیل و تفهیم می کنیم. ضرورت این پژوهش این است که بسیاری از دلایل منطقی برای حضور ایران در منطقه براساس اصل مصالح ملی را تبیین می کند.

پیشینه پژوهش

از آن رو که این پژوهش از حیث ماهیت، کاری جدید است و درصدد نظری کردن رویکرد عملی شهید سلیمانی است. اساسا در این چهارچوب اثر دیگری نگارش نشده و مقالات دیگر به بحث کلی تر دو گانه امت-ملت پرداخته اند. اما اگر دو گانه امت-ملت و یافتن راه حل برای آن را مدنظر قرار دهیم کتابها و مقالات متعددی در این خصوص وجود دارند. در جهان عرب، نویسنده گانی مانند رشیدرضا در کتاب «**الخلافة أو الامامة العظمی**» به دنبال یافتن راه حلی است که با عبور از ملت گرایی، دوران امت محوری مبتنی بر خلافت را احیا کند. او پیشنهاد تاسیس حزب معتدل اصلاح طلبان، منتشکل از تمام نخبگان جهان اسلام را می دهد تا زمینه انتخاب خلیفه و احیای امت اسلامی را فراهم کند، البته طرح او بیش از اینکه بر مسلمانان تاکید داشته باشد بر اعراب سنی متمرکز بود و بنابراین در سطح نظری ماند. همچنین اندیشمند دیگری به نام محمدضیالالدین الریس در کتاب «**السلام و الخلافة فی عصر الحدیث**» با الگوگیری از طرح سازمان ملل، سعی دارد، ضمن حفظ ملت های مسلمان، سازمانی اسلامی تاسیس کند تا امت اسلامی شکل بگیرد و در مورد مسائل کلان جهان اسلام تصمیم بگیرد، این طرح نیز به واسطه ماهیت تقلیدی ناقص ماند.

در ایران نیز از بدو استقرار جمهوری اسلامی، مسئله دو گانه امت و ملت همواره در حوزه امنیت ملی و سیاست خارجی مطرح بود، و تقریبا سه نوع پاسخ به آن داده شده است که هر کدام با مشکلات و نقدهایی مواجه هستند. این نظریات را در قسمت چهارچوب نظری شرح خواهیم

داد. همچنین مقالات متعددی نوشته شده است که صرفاً توصیف و یا تحلیل این مسئله بوده است. مثلاً محمدعلی قاسمی در مقاله‌ی «**دیالکتیک امت و ملت در آراء امام خمینی**»، به بررسی و صرفاً توصیف نگاه امام خمینی (ره) به این مسئله پرداخته است. همچنین حسین آراسته، در مقاله‌ی «**امت و ملت نگاهی دوباره**» با رویکردی اسلامی سعی دارد ابعاد حقوقی و سیاسی امت محوری در عصر ملت گرایی را تجزیه و تشریح کند. همچنین سیدمحمد مهدی غمامی در مقاله‌ی «**الزامات تحقق امت اسلامی و گذار از دولت مدرن**» تلاش دارد راه‌حل‌های نظری و عملی برای وحدت جهان اسلام و شکلگیری امت اسلامی ارائه دهد، اما در مجموع این راه‌حل‌ها موردی متفاوت از راه‌حل‌های موجود نیستند، همچنین هادی نخعی در کتاب «**توافق و تراجم منافع ملی و مصالح اسلامی**»، کوشیده است به گونه‌ای تطبیقی سیاست خارجی دولت ملی (لایتیک) و دولت اسلامی را بررسی کند و همچنین اصولی در باب سیاست خارجی تدوین نموده و نتایج سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را براساس آن نقد و بررسی کرده است. در پایان مولف نشان می‌دهد ساختمان و بنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی تنها بر پایه منافع ملی استوار نیست، بلکه مصالح اسلامی نیز در آن منظور شده است. از این دست پژوهش‌ها زیاد وجود دارد، اما هیچ کدام درصدد نقد نظریات موجود و ارائه نظری جدید با اتکا به عرصه عملی نیستند. ویژگی مقاله حاضر ارائه دیدگاهی جدید در این مسئله قدیمی است.

چهارچوب مفهومی

ملت و ملیت

ملت^۱ مفهوم مدرنی است که به یک واحد سیاسی و اجتماعی اطلاق می‌شود که عامل پیوند آن تاریخ، زبان فرهنگ، قومیت و یا آگاهی مشترک است. از این اشتراک‌های بر ساخته است که احساس تعلق به یکدیگر پدید می‌آید. ملت معمولاً با سرزمین مشخصی پیوند خورده است. در تاریخ فکر دو مکتب آلمانی و فرانسوی در خصوص معنای حقوقی و سیاسی مفهوم «ملت» وجود دارد: در مکتب آلمانی بر عواملی چون قوم، نژاد، زبان و مذهب تکیه می‌کنند، اما در مکتب فرانسوی آگاهی مشترک را مبنای زیست دسته جمعی می‌دانند. این مکتب عوامل قومی، نژادی،

1. NATION

زبان و مذهب را در شکل‌گیری ملت انکار نمی‌کند اما به عناصر معنوی، فرهنگی و تمدنی یک مجموعه انسانی که باعث هویت ملی آنان است نیز توجه ویژه‌ای معطوف می‌دارد. (ابوالفضل، ۱۳۹۲، ص ۲۰۶) برای مثال اگر بخواهیم بر اساس تعریف آلمانی ملت ایران را تعریف کنیم، ملت ایران محدود به مرزهای سیاسی کنونی می‌شود، اما بر اساس تعریف فرانسوی، افغان‌ها، تاجیک‌ها، ازبک‌ها، اذریها و ارامنه و... که در حوزه فرهنگی ایران هستند و از آگاهی مشترکی برخوردارند، جزء ملت ایران محسوب می‌شوند.

تعریف دو مکتب فوق بیانگر مفهوم اصطلاحی «ملت» است که با تعریف لغوی آن به کلی بیگانه است.

کلمه «ملت» کلمه‌ای عربی است و به معنی راه و روش است. شهید مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران در خصوص مفهوم ملت می‌گوید: «در اصطلاح امروز فارسی، این کلمه [ملت] به کلی مفهوم مغایری با مفهوم اصلی خود پیدا کرده است. این اصطلاح فارسی یک اصطلاح مستحدث و جدید است و در واقع یک غلط است. گمان می‌کنم این اصطلاح جدید از زمان مشروطیت به بعد پیدا شده است. اعراب امروز در مواردی که ما کلمه «ملت» را بکار می‌بریم کلمه «قوم» یا «شعب» را بکار می‌برند.» (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۵۸ - ۵۶) به نظر می‌رسد معادل لغوی مناسب برای واژه ملت همان معادل عربی قوم یا شعبه‌ای یا نسلی از مردم باشد.

پیوند میان مفهوم ملت با دولت امر تازه‌ای است که از پیمان وستفاليا در سال ۱۶۴۸م به بعد مطرح شد. به همین دلیل واژه «ملت» نیز در گذشته معنای سیاسی امروزی را نداشته چنانکه در زبان فارسی کمابیش برابر «امت» یا پیروان دین بوده است. (آشوری، ۱۳۷۳، ص ۳۰۷ - ۳۰۶) به هر حال آنچه امروز در کاربرد واژه «ملت» اراده می‌شود، همان معنی جدید است که اشاره به عده‌ای از افراد که حول یک هویت برساخته‌ای مانند زبان، قومیت و یا تاریخ در درون یک سرزمین خاص با یک دولت خاص زندگی می‌کنند، تعریف می‌شوند.

در کنار مفهوم ملت ضروری است به مفهوم حقوقی «ملیت» نیز پرداخته شود. این مفهوم که به تأسی از شکل‌گیری پدیده دولت-ملت شکل گرفت، بیانگر رابطه قانونی یا عضویت یک فرد در یک ملت یا دولت است. ملیت شامل فرمانبرداری از سوی فرد و حمایت از سوی دولت است. ملیت در واقع حقی جدایی‌ناپذیر برای هر فرد بشری است که ذیل یک ملت تعریف شود.

(نصیری، ۱۳۹۰، ص ۲۸ - ۲۶). از مفهوم ملیت، مفهوم تابعیت هم مطرح می‌شود، هر فرد به تناسب ملیتش، دارای تابعیت خاصی است. از آن جایی که تابعیت، منشأ حق و تکلیف است، رابطه‌ای حقوقی نیز دارد. به عنوان مثال ایرانی‌الاصل بودن این حق را برای فرد ایجاد می‌کند که بتواند رئیس جمهور شود. این مفهوم در ادبیات دینی جایگاه خاصی ندارد چرا که انسان‌ها تنها در ذیل پرچم توحید صاحب حق هستند.

امت

مفهوم «امت»^۱ مفهومی عقیدتی است که از ریشه آمّ، یَوْمُ می‌باشد. قرآن انسان‌ها را علی‌رغم عوامل اختلاف‌انگیز و تمایزها و تفاوت‌های گوناگونی که بین آنها حکم فرماست، مجموعه‌ای همگرا و همگن و متشکل و چون کاروانی منسجم و در حال حرکت به سوی مقصد واحد تلقی و آن‌ها را به یک سازماندهی فراگیر دعوت می‌کند، و این حالت را کیفیت نخستین جامعه انسانی و شکل مطلوب و معقول آینده بشر می‌داند. بر اساس این بینش و اعتقاد، مسلمان موظف است که وحدت و یکپارچگی را نخست در جامعه کوچک تر جهان اسلام تحقق بخشد و سرانجام آن را به سراسر جامعه بشری گسترش دهد. چنان که در آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌فرماید: «مردم (در نخستین روزهای حیات اجتماعی) امت واحد بودند؛ از آن پس خداوند انبیا را برانگیخت» و همچنین در آیه ۱۹ سوره یونس می‌فرماید: «انسان‌ها، جز امت واحد نبودند و سپس اختلاف نمودند». بر این اساس «امت» به مجموعه‌ای از انسان‌ها اطلاق می‌شود، که هدف و مقصد واحدی آنان را گرد هم جمع نموده باشد. مرز میان «امت‌ها» مرزی عقیدتی است. همه آنان که بر محور توحید، نبوت و معاد متمرکز گشته‌اند، امت واحد اسلامی را تشکیل می‌دهند. از نظر اسلام «امت» مهمترین ملاک تقسیم بندی جوامع بشری است.

اسلام و رابطه امت و ملت

آنچه که از نصوص دینی قابل برداشت است این است که اسلام با ملت دوستی مخالف نیست و اتفاقاً بر آن تاکید کرده است، اما مخالفت اسلام با مبحث ملت پرستی و برتری یک ملت با سایر ملت‌هاست. از همین روست که هیچکدام از احیایگران وحدت اسلامی از سیدجمال‌الدین اسدآبادی تا امام خمینی نه تنها مخالفتی با ملّی‌گرایی عقلانی - منطقی ابراز نکرده‌اند بلکه آن را وسیله‌ای

1. The Muslim community

برای مقابله با استعمار و ایجاد همگرایی در بین آحاد جوامع مسلمان دانسته‌اند. (اسکوئی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۷)

یکی از تفاوت‌های اساسی نظام سیاسی اسلام با نظام‌های سیاسی مدرن در مرزبندی موجود میان «ملت» و «امت» است. اسلام از آن جهت که دینی جهان‌شمول است؛ بدون توجه به مرزهای سرزمینی و تفاوت‌های زبانی، ملی، نژادی و فرهنگی از میان همه انسانها یارگیری می‌کند و نام «امت واحده»^۱ را بر پیروان خویش می‌نهد. این مفهوم به کلی با مفهوم تابعیت که افراد را به دولت حاکم در یک سرزمین معین مرتبط می‌سازد متفاوت است.

اختلاف در رابطه با سازگاری اسلام و ملت‌گرایی، اندیشمندان اسلامی را به دو گروه مخالف تقسیم می‌کند: **گروه اول** فرض را بر این می‌گذارند که اسلام و ملی‌گرایی، در منشأ الهام متفاوت و تقریباً براساس تعریف متناقض هستند. به باور آنها اسلام یک دین جهانی است و بنابراین نمی‌تواند با ایدئولوژی مبتنی بر دولت-ملت سازگار باشد. (Ghayasuaddin, 1986, P 7). استدلال اساسی آنها مبتنی بر این فرض رایج است که دین از دولت، در اسلام جدایی‌ناپذیر است. و لذا مؤمنان باید متحد باشند و توجیه و مشروعیتی برای ایده‌ی دولت-ملت وجود ندارد. آنها بر این باور هستند که مسلمانان، همگی در نظر خداوند به عنوان بخشی از امت، مساوی هستند. از سوی دیگر، **گروه دوم** بر این باورند که این دو در کنار هم و سازگار هستند. پایه‌ی استدلال این دسته بر یکی از این دو دلیل استوار است: دلیل اول اینکه اسلام از منشأ، برپایه‌ی یک ملت خاص استوار بود. استدلال آنها برپایه‌ی این آیه‌ی قرآنی است که بیان می‌کند که خدا مردم را به اقوام و ملل مختلف، به منظور شناخت بهتر یکدیگر تقسیم کرده است. دلیل دوم این است که اسلام همواره دینی انعطاف‌پذیر بوده است و همیشه تحمل سنت‌های مختلف را داشته است. چنانچه جیمز پیسکاتوری، معتقد است؛ نظریه‌ی متعادل و کلاسیک پلورالیسم ارضی (به عبارتی نظریه‌ی جهان وطنی) در این اصل مورد قبول است. (Piscator, 1872, P40) همان‌گونه که غزالی و ابن تیمیه نیز، نظم اسلامی که در آن واقعیت تقسیم و مراکز متعدد قدرت را در خود گنجانیده است، را در نظر داشته‌اند.

۱. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ» (مؤمنون، آیه ۵۲)

بدین سان در مجموع، می توان گفت: در اندیشه های سیاسی اسلامی ملت صرف مورد تأکید نیست و از سوی دیگر ملت هم بی اعتبار نیست.

چهار چوب نظری (نسبت امت و ملت)

جدای از حوزه «نظر» در اسلام، در عرصه «عمل» نحوه مواجهه با پدیده ملت، از بحران های کنونی در جهان اسلام است چرا که علیرغم تأکید اسلام بر امت واحده، اکنون مرزهای سیاسی پررنگی شکل گرفته است و ملت های مسلمان هر یک خود را ملتی متفاوت از سایر ملت ها در نظر می گیرند و جنگ هایی در چند دهه اخیر بر اساس همین ایده ملی گرایی میان ملت های مسلمان شکل گرفته است اما با این وجود، همچنان بر اتحاد امت مسلمان از سوی اندیشمندان اسلامی تأکید می شود.

با وجود این، در عرصه واقعی گاهی اوقات حوادث و پدیده هایی رخ می دهد که میان منافع «ملت» و «امت» همسویی وجود ندارد که تصمیم گیری در این خصوص را دشوار می کند. در یک تحلیل منطقی، صور احتمالی دو گانه «امت-ملت» به شرح زیر است:

۱. همسویی منافع «امت» و «ملت» نسبت به واقعه خاص.
 ۲. همسویی مخالف «امت» و «ملت» نسبت به واقعه خاص.
 ۳. تقابل منافع «امت» در مورد واقعه خاص با «ملت».
 ۴. تقابل منافع «ملت» در مورد واقعه خاص با «امت».
- در صورتی که این منافع در دو بُعد داخلی و عرصه بین المللی مطرح شوند صورت های مسئله، شانزده صورت خواهد بود.

- همسویی منافع «امت» و «ملت» نسبت به «واقعه خاص» از بعد داخلی
 - همسویی منافع «امت» و «ملت» نسبت به «واقعه خاص» از بعد بین المللی
- و اگر به هر یک از این شانزده صورت از دو منظر «مبانی دینی» و «موازن حقوقی» نگریسته شود، مجموعاً سی و دو صورت وجود خواهد داشت.

- همسویی منافع «امت» و «ملت» نسبت به «واقعه خاص» از بعد داخلی و از منظری دینی
- همسویی منافع «امت» و «ملت» نسبت به «واقعه خاص» از بعد داخلی و از منظری حقوقی^۱

۱. برای رعایت اختصار از بیان صورت های دیگر حذر می شود.

حکم شانزده صورت از این سی و دو صورت روشن است. چرا که یا در موارد همسویی منافع «امت و ملت» در مورد پدیده‌ای خاص است و یا فرض همسویی مخالف آنها در مورد پدیده‌ای چه در بعد داخلی و چه در بعد بین‌المللی، چه از نظر موازین حقوقی و چه از نظر مبانی دینی، هیچ گونه مشکل و اختلافی وجود نخواهد داشت. مسئله زمانی بحرانی می‌شود که میان منافع «امت» و «امت» نوعی اصطکاک در مورد پدیده‌ای وجود داشته باشد. در این گونه موارد چه باید کرد؟ کدام یک بر دیگری اولویت دارند.

نتایج حاصل از پاسخ به این سوالات، بسیار حایز اهمیت خواهد بود؛ به گونه‌ای که در ابعاد داخلی و خارجی تعیین کننده سیاست‌های کلان نظام سیاسی است. تاکنون سه نظر در پاسخ به این سوالات مطرح شده است.

ملی‌گرایی اسلامی

طرفداران این نظریه که می‌توان نهضت آزادی‌ها را جز آنها قرار داد، معتقد بودند منافع ملی در اولویت قرار می‌گیرند. اگرچه ارزش‌های اسلامی را نیز طرد نمی‌کردند. چنانکه مهدی بازرگان از جمله هواخواهان این نظریه می‌گفت: آرمان حکومت جهانی واحد در عصر ظهور امام زمان را می‌پذیرد، اما در عصر غیبت، بیشتر بر خدمت به وطن و اهداف ملی تأکید دارد. (حقیقت، ۱۳۷۶، ص ۶۱) از ارکان این نظریه، این است که مرزهای جغرافیایی را می‌پذیرد. روابط با سایر ملل اسلامی را محدود به روابط رسمی و دیپلماتیک می‌کند و همچنین در صورت احتیاج یک ملت مسلمان به کمک، کمک به او را محدود به کمک‌های رسمی می‌کند. (لاریجانی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۵) به این نظریه نقدهایی از حیث اندیشه اسلامی وارد است از آن رو که در این پژوهش قصد تشریح این نظریه را ندارد، توضیحات را به همین مقدار محدود می‌کنیم.

اسلام‌گرایی

این نظریه در دو گانه امت - ملت، تأکید بر امت دارد و وظیفه اصلی دولت اسلامی را کمک به آرمان‌های جهان‌گرایی اسلامی می‌داند و رفع نیازهای داخلی را هدفی فرعی و ثانویه می‌داند. در این نظریه بر نفی علائق ملی و تکلیف‌گرایی تأکید دارد و کمک به دولت‌های منطقه برای

مقابله با ابرقدرتها و تلاش برای پیروزی هر ملت مسلمانی بر دشمنان اسلام را از ارکان واقعی دولت اسلامی در هر شرایطی می‌داند. در این نظریه مرزهای سیاسی از بین می‌روند و تنها عامل وحدت انسان‌ها، عقیده واحد است. قومیت و مذهب در این نظریه جایگاهی ندارد. دیدگاه سید مهدی هاشمی در واحد نهضت‌های آزادیبخش اوایل انقلاب در این دسته قرار می‌گیرد. این نظریه در شرایط انقلابی مطرح شد و ناکارآمدی آن در بسیاری از حوزه‌ها خودش را نشان داد.

ام‌القرآ

این نظریه علاوه بر تأکید بر امت، در تحلیل نهایی بر ملت تأکید دارد. أم‌القری (به معنی مادر قریه‌ها) نظریه‌ای برای تبیین خط مشی موقعیت ایران در جهان اسلام است که در دهه ۱۳۶۰ از سوی محمدجواد لاریجانی مطرح شد. بر اساس این نظریه مسلمانان یک امت هستند و داشتن رهبر واحد ملاک وحدت امت است. کشوری می‌تواند در موقعیت ام‌القرای جهان اسلام قرار گیرد که بتواند با تشکیل حکومت اسلامی سطح رهبری خود را از مرزهای سرزمینی اش فراتر برد. از نظر لاریجانی، ایران پس از انقلاب ۵۷ در چنین جایگاهی قرار گرفت. به این ترتیب حکومت ایران بایستی علاوه بر منافع ملی به منافع جهان اسلام نیز پردازد و دیگر کشورها نیز باید از ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام در مواقع خطر حمایت و دفاع کنند. بر اساس این نظریه حفظ ام‌القری بر هر چیز دیگر اولویت دارد و در صورت لزوم می‌توان احکام اولیه اسلامی را هم برای حفظ آن به تعویق انداخت و هرچند در صورتی که میان منافع ام‌القرآ و منافع امت تعارضی پیش آید منافع امت همواره مقدم است مگر در حالتی که مسئله بر سر حفظ نظام اسلامی در ام‌القری باشد.. (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۶۰-۲۶۱)

نظریه ام‌القری در کنار نظریه ملی‌گرایی اسلامی و نظریه اسلام‌گرایی یکی از نظریات اصلی در تبیین جایگاه جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام است. ام‌القری در مقایسه با دو نظریه دیگر بیشتر بر مفهوم «حکومت اسلامی» و «مصلحت نظام» تأکید دارد در حالی که در ملی‌گرایی اسلامی؛ ملت اسلامی ایران با توجه به مرزهای جغرافیایی کشور در چارچوب مفهوم دولت-ملت مدرن تحلیل می‌شود و در نظریه اسلام‌گرایی هم آرمان «تشکیل امت واحده» بیش از هر چیز

اهمیت پیدا می‌کند. (فیرحی، ۱۳۸۲، ۲۶۲) برخی از اظهارات امام خمینی (ره) به عنوان شاهدهی بر صحت نظریه ام‌القری مورد استناد قرار گرفته‌اند. برای مثال امام خمینی در جایی می‌گوید: «الآن چشم‌های همه مردم دنیا به ایران دوخته شده... و اگر شکستی پیش آید خیال نکنید که این شکست برای ایران است بلکه برای همه مستضعفان جهان واقع می‌شود». این اظهارات در واقع رابطه‌ای دیالکتیکی میان سرنوشت جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام برقرار می‌کند و از این نظر که مصالح ایران را به عنوان ابزار و مقدمه‌ای بر تأمین مصالح جهان اسلام مطرح می‌کند به نظریه ام‌القری نزدیک است. (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۵)

این نظریه، علیرغم اینکه با رویکردی رئالیستی، سعی در ارائه راه‌حل عملی داشت؛ در عالم عمل، به واسطه ضعف مبانی دینی، دچار مشکلاتی بود. این نظریه در تحلیل نهایی منافع ملی ام‌القررا را در اولویت می‌گذاشت و به واسطه اینکه به جای نگاه برادرانه به سایر ملت‌های مسلمان، نگاه پدران‌ای برای خود قائل بود، زمینه اختلاف میان ملت‌های منطقه را فراهم می‌کرد. چراکه ملت‌های دیگر نیز با توجهاتی خود را ام‌القرای جهان اسلام می‌دانستند که همه مسلمانان موظف به حفظ او بودند. همچنین تشخیص مرز و معیاری که در چه حادثه‌ای ام‌القررا در خطر است و باید برای حفظ ام‌القررا، دست از حمایت سایر ملت‌ها برداشت وجود نداشت و به راحتی می‌توانست در هر واقعه‌ای به نامی حفظ ام‌القررا دست از حمایت سایر مسلمانان برداشت. از این رو نمی‌توانست نظریه‌ای برای حل بحران ملت - امت باشد. همچنین دو نظریه ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی به واسطه اینکه یک طرف ماجرا را برتر می‌گرفتند، در عرصه عمل ممکن نبود.

این پژوهش با در نظر گرفتن نقاط ضعف سه رویکرد بالا، سعی دارد با اتکا به کنش شهید سلیمانی راه حلی برای حل این بحران، ارائه دهد. رویکرد ایشان در خصوص مسئله ملت - امت را می‌توان در قالب «نظریه^۱ حرم» توضیح داد.

۱. البته در این مقاله صرفاً بحثی مقدماتی در خصوص نظریه بودن نوع عملکرد ایران در مسائل خارجی مطرح می‌شود، ان‌شاءالله در مقاله‌ای دیگر مولفه‌ها و شاخصه‌های آن با اتکا به مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی تدوین می‌شود.

نظریه حرم^۱ راه حل سلیمانی برای برون رفت از دوگانه امت - ملت

طبق این نگاه، جغرافیای اسلام مکان مقدسی است که باید از آن در مقابل هر پلیدی محافظت کرد. منتها این جغرافیا بر اساس مرزهای سیاسی تعریف نمی شود، بلکه بر اساس مکان‌های مقدس که در آن انسان‌های صالح می‌زیند، از شدت و ضعفی برخوردار است و هر کجا که حرم مقدسی مورد خطر قرار گرفت باید از سوی همه ملت‌ها با تمام توان، بدون در نظر گرفتن هویت‌ها و منافع قومی، نژادی و مذهبی مورد حمایت قرار گیرد. منتها معنای حرم به مکانی که در آن بارگاه بزرگان دین است، محدود نمی‌شود. حرم در نگاه سلیمانی دفاع از مقام انسانیت است.

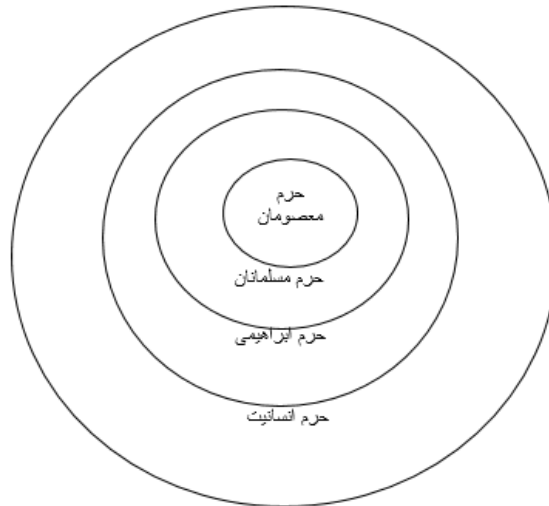
انسانیت به معنای رسیدن هر انسانی به مقام خلیفه الهی است، هر کس در این مسیر حرکت کرد، دارای حرمتی می‌شود که باید از آن دفاع کرد. از منش سلیمانی چنین بر می‌آید که او در قالب هیچ یک از سه نظریه قرار نمی‌گیرد. در واقع او نسبتی مستقیم میان ایران و اسلام و همچنین ملت ایران و امت مسلمان قائل بود. او ایران را برای اسلام و اسلام را پشتوانه ایران می‌خواست و پیروزی اسلام را پیروزی ایران و پیروزی ایران را پیروزی اسلام می‌دانست. در واقع تعریفی که او از امنیت داشت، تعریف همه جانبه‌ای بود. او برای حفظ امنیت ایران، دنبال ایجاد امنیت در کل اسلام بود و به تاسی از سنت پیامبر تلاش اصلی‌اش برای ایجاد امت واحد بود، اما در کنار آن به مرزهای ملی نیز ارجح می‌نهاد و روش سلسله مراتبی و مدارگونه برای رسیدن به هدف اصلی قائل

۱. واژه حرم از ریشه «ح رم» (به معنای ممنوع بودن) است، گاهی به معنای اهل و عیال یک شخص یا محل اقامت شان است که آنها را از تعرض دیگران حفظ می‌کند. (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۶ق، ذیل واژه حرم) در متون اسلامی، این واژه بیشتر درباره مکانی گرداگرد اماکن مقدس به کار می‌رود که ورود و حضور در آنها آداب ویژه‌ای دارد. مثلا واژگان حرم یا حرم الله یا حرم مکی، معمولا به منطقه‌ای در حریم خانه کعبه تا محدوده‌ای معین اطلاق می‌شود. برخی، حرم نامیدن محدوده این اماکن را به دلیل محترم بودن آنها یا حرام بودن عمل به برخی کارها در آنها دانسته‌اند. (بروجردی، مستند العروة الوثقی، ۱۳۶۷ش، ج ۸، ص ۴۲۳)، ترکیب «حرمین شریفین» برای اشاره به دو حرم مکه و مدینه یا دو حرم نجف و کربلا یا دو حرم بیت المقدس و الخلیل بسیار کاربرد دارد. همچنین به‌کارگیری واژه حرم بر بارگاه امامان شیعه در ایران بسیار شایع است، مانند حائر حسینی درباره حرم امام حسین(ع) و حرم رضوی درباره مرقد امام رضا(ع). (منهاجی اسیوطی، جواهر العقود، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۷۴) ویژگی این مکان‌ها این است که ملت‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. اما در نگاه سلیمانی محدود به این معانی نیست.

بود. در نظر او انسانیت، خودش صاحب حریمی است. منتها برای دفاع از حریم انسانیت باید از هسته حریمها شروع کرد، و سپس دایره حرم را به دفاع از حریم انسانیت ختم کرد.^۱ این حرم، سلسله مراتبی و همه در یک مدار است. نك قله‌ی مدار از حرم شیعیان آغاز می‌شود و به حریم انسانیت ختم می‌شود. در واقع سلسله مراتب با این شکل تنظیم می‌شود.

- حرم شیعیان (شیعیان ایران- شیعیان امامی- شیعیان عراق- شیعیان زیدی- شیعیان علوی)
- حرم سنی (سنیهای اهل بیتی، سایر مسلمانان)
- حرم ادیان ابراهیمی (مسیحیان و یهودیان)
- حرم انسانیت

سلیمانی در جایی در خصوص این مدار می‌گوید: «هر کس به مدار مغناطیسی علی بن ابی طالب (ع) نزدیکتر شد، این مدار بر او اثر می‌گذارد؛ او کمیل بن زیاد میشود، او ابوذر غفاری میشود، او سلمان فارسی میشود.» (سلیمانی، سایت اینتا: ۱۴/۵/۱۳۹۹) او دفاع از ائمه را به این واسطه می‌دانست که آنها مظهر انسان کامل و مقام خلیفه الهی هستند و هر کس در این مدار قرار بگیرد، دارای حرمتی می‌شود. و این دایره حریمها آنقدر گسترده می‌شود که کل زمین حرم امن الهی شود. در زیر برای فهم بهتر مطلب طرح شماتیکی زیر ارائه می‌شود:



^۱ این دیدگاه ناشی از نگاه هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه اسلامی است که هستی در سلسله مراتبی نظم یافته و انسان در مقام خلیفه الهی در نسبت سلسله مراتبی است. اما این سلسله مراتب متصل نیست و بسته به عمل انسان بالا و پایین می‌شود.

در این نظریه منافع ملی، زمانی تامین می‌شوند، که حریم شیعه، اسلام و انسانیت حفظ شود. اگر بخواهیم تفاوت میان نظریه حرم را با سه نظریه دیگر را در قالب مثالی توضیح دهیم. می‌توان گفت در مواجهه ایران با پدیده داعش چهار حالت ایجاد می‌شود:

مثال: پدیده داعش

همسویی منافع ملت و امت: مبارزه‌ی داعش با آمریکا به عنوان دشمن ملت ایران و امت مسلمان همسویی مضار منافع ملت و امت: بدجلوه دادن چهره اسلام رحمانی و خطر امنیتی برای مردم ایران تقابل منافع امت با منافع ملت: مطرح کردن نظریه خلافت اسلامی برای برخی از اهل سنت، در مقابل ولایت امام شیعیان

تقابل منافع ملت با منافع امت: ایجاد فرصت برای تشکیل نیروهای همسو با ایران در سایر ملل^۱ در مواجهه با پدیده داعش، **ملیگرایان**، معتقد به اتخاذ حالت بی‌طرف بودند، و تنها در صورت تعرض داعش به مرزهای ایران، در مقابل آن می‌ایستادند. بنابراین از این چهار حالت، در هیچ کدام نقشی برای ایران قائل نبودند و تنها در صورت «**تقابل منافع امت با منافع ملت از بعد داخلی و از منظر حقوقی**» که آن هم تعرض داعش به مرزهای ایران بود، اقدامی صورت می‌گرفت.

اسلامگراها نیز اگرچه صورت اول یعنی مقابله داعش با آمریکا را مطلوب می‌دانستند، اما در همه ابعاد و صورت‌ها داعش را مضر منافع امت اسلامی می‌دانستند، لذا مقابله با آن در همه ابعاد را توصیه می‌کردند.

نظریه ام‌القرآ، صورت‌های اول و چهارم را تقویت و صورت‌های دوم و سوم را تضعیف می‌کرد. آن‌ها مبارزه داعش با آمریکا را به نفع امت اسلامی می‌دانستند، اما از آن رو که قوت گرفتن داعش خطری برای ام‌اقرای جهان اسلام بود، مقابله با آن را تجویز می‌کردند. اما در تحلیل نهایی اگر ام‌القرآ دچار ضعفی در ابعاد مختلف بود. فرستادن نیرو و تجهیزات و هزینه کردن پول را توصیه نمی‌کرد و تنها کمک او، کمک مستشاری بود که داعش در سوریه زمین‌گیر شود ولو اینکه خاک سوریه کامل به تصرف داعش در می‌آمد.

^۱ می‌شود این حالت‌ها را در سی دو صورت ریز کرد، اما با توجه به محدودیت کار در مقاله آن را در پژوهش دیگری انجام می‌دهیم.

اما در **نظریه حرم** که در آن مرزهای رسمی ملی فرو می‌پاشند و آسیب به یک حرم، آسیب به همه حرم‌هاست. هر جا خطری از سوی هر نیرویی متوجه حرم و حریمی شد، افراد مدافع حرم صرف نظر از ملیت به مقابله با آن می‌پردازند. در این خصوص نمونه‌های بسیاری است که هم در گفتار و هم عمل او قابل نمایش است. سلیمانی فلسطین را یک حرم می‌داند و همه دعوای اسلام با غرب را بر سر همین مسجد الاقصی که حریم اسلام است، می‌دانست. (سلیمانی، باشگاه خبرنگاران جوان: ۱۳۹۹/۲/۲۷) و یا حضور نیروی قدس ایران و زینیون افغانستان و فاطمیون پاکستان، حزب الله لبنان و سایر گروه‌ها در عراق و سوریه برای دفاع از حرم‌ها در عراق و سوریه بود. ارتباط این حرم‌ها به صورت زنجیره‌ای وصل می‌شود، که نباید یک حلقه از این زنجیره پاره شود.

مثال: مبارزه با اسرائیل

در مورد مبارزه با اسرائیل هم تفاوتی آشکار میان سه نظریه مطرح با نظریه حرم وجود دارد. در مورد مسئله رژیم صهیونیستی نیز چهار حالت اولیه می‌توان متصور شد:

همسویی منافع ملت و امت: نابودی رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن شماره یک ملت‌های

مسلمان

- همسویی مضار منافع ملت و امت: ایجاد سختی برای ملت و امت اسلامی به واسطه حمایت قدرت‌ها از اسرائیل
- تقابل منافع امت با منافع ملت: هزینه دادن ملت ایران برای ملت مسلمان دیگر
- تقابل منافع ملت با منافع امت: نداشتن منفعتی مستقیم برای ملت ایران

بدین سان، **ملی‌گراها**، مبارزه با اسرائیل را به واسطه اینکه هیچ منفعت مستقیم برای ملت ایران ندارد، را قبول نمی‌کنند. در مقابل **اسلام‌گراها**، مبارزه با اسرائیل را هدف اصلی و اساسی خود می‌دانند. در نظریه **ام‌القرآ**، حمایت از فلسطین به واسطه اینکه جزء امت مسلمان است لازم است، اما اگر این حمایت منجر به تضعیف ایران شود، ضرورتی ندارد. اما در نظریه حرم، به واسطه اینکه فلسطین و مسجد الاقصی حرم اسلامی است و اگر این حرم از دست برود، سایر حرم‌ها هم از دست می‌روند بدون توجه به مسائل مذهبی و قومی، حمایت امری ضروری می‌شود. همانگونه که حمایت سایر ملت‌های مسلمان از حرم ایران ضروری است.

برای تبیین این نظریه نشانگان زیادی در کنش، منش و بینش شهید سلمانی وجود دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

نشانه‌های راه

انتخاب عنوان مدافع حرم، برای نیروهایی چند ملیتی^۱

شهید حاج قاسم سلیمانی در بخشی از خاطرات‌شان دلیل نام‌گذاری رزمندگان جبهه‌های مقاومت، به عنوان «مدافعین حرم» بیان می‌کند: «من وقتی در اول بحران سوریه می‌خواستم این نام را انتخاب کنم، خیلی فکر کردم که اگر بخواهیم از قالب اسلامی کسی یا کسانی را برای دفاع از حرم جذب کنیم، چه نامی برای آنها بگذاریم؟ دیدم پرجاذبه‌ترین نام که می‌شود بر این حرکت جهادی جدید اطلاق کرد، نام «مدافعین حرم» است. همه‌ی این کسانی که به نام شهدای حرم به شهادت می‌رسند، شهید حرمی‌هایی هستند که حرم سیده زینب (سلام‌الله‌علیها) هم چون قمری در وسط آن قرار دارد. حریم بزرگی است، هزاران نفر برای این حریم جان بدهند ارزش دارد. سرور جوانان بهشت حسین بن علی (صلوات‌الله‌علیه) برای آن شهید شد. والله دفاع از حرم حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، دفاع از حریم امیرالمؤمنین (صلوات‌الله‌علیه) در نجف است. والله اگر سوریه به دست اینها ساقط شود، همان طوری که سامرا را با بمب منفجر کردند، همه‌ی مقدسات شیعه را نابود می‌کنند. دفاع از حرم زینب (سلام‌الله‌علیها)، دفاع از حریم امام رضا (صلوات‌الله‌علیه) در ایران هم هست، همه‌ی اینها به هم پیوستگی دارد. دفاع، دفاع عادی نیست، دفاع کوچکی نیست، تصمیم ناقصی نیست، تصمیم کوچکی نیست.» (اکبری، ۱۳۹۸: ص ۳۴)

چنانکه در این فقره مشخص است، «حرم» امری جغرافیایی - انسانی است و فراتر از مرزهای سیاسی دولت - ملت تعریف می‌شود. دفاع از حرم مقدس در واقع دو معنا دارد، از یک سو دفاع از مقام انسانیت است و دوم دفاع از مناطق جغرافیایی دیگر است که ممکن است پیوستگی جغرافیایی - سیاسی نداشته باشد.

۱. در بین این نیروها، علاوه بر ایرانی، مدافعان حرمی از آفریقا «محمد سلیمان الکونی» افغانی «نقیب‌الله هزاره»، پاکستانی «وجاهت علی»، سوری «محمد بدر بنود»، عراقی «محمد علی شریف»، فلسطینی «محمد الرفع»، لبنانی «حمزه علی یاسین»، اهل سنت «عمر ملازهی» و مسیحی «دانی جورج جها» وجود دارند. (برای مطالعه بیشتر، رجوع کنید به کتاب: انسان، حرم، جغرافیا؛ نوشته سجاد طایری، انتشارات اندیشه سازان نور)

جمهوری اسلامی حرم امروز اسلام

سلیمانی در راستای نگاه هر می و سلسله مراتبی، علاوه بر کنش خود در متن وصیت‌نامه خود به آن اشاره می‌کند که: «امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (ص) برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی معصوم. خوب می‌دانید منزّه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هر گونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است، دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت الله الحرام و مدینه حرم رسول الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.» (وصیت‌نامه‌ی سلیمانی، ۱۳۹۸، ص ۲)

در این فقره، شهید سلیمانی، به صراحت نگاه امنیتی خود به مسائل جهان اسلام را نشان می‌دهد و مسئله حرم را از دایره بارگاه اهل بیت (ع) به مسئله سرزمینی ارتقاء می‌دهد و کل ایران را به مثابه حرم در نظر می‌گیرد.

اسلام پشتوانه ایران، ایران در خدمت اسلام

شهید سلیمانی، هیچ‌گاه ایران و اسلام را در عرض و مقابل هم قرار نمی‌داد، بلکه آنها را در طول هم که حفظ یکی، در گرو حفظ دیگری است، می‌دانست. این اعتقاد را علاوه بر اینکه در عرصه عمل آن را نشان داد در متن وصیت‌نامه خود به آن اذعان کرده است: «بدانید که می‌دانید مهمترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده‌ای این کشور را می‌درید؛ آمریکا چون سگ هاری همین عمل را می‌کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد، انقلاب‌هایی در انقلاب ایجاد کرد، به این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را سپرد و

ملت ایران و خاک ایران و اسلام نموده‌اند و بزرگترین قدرت‌های مادی را ذلیل خود نموده‌اند. عزیزانم، در اصول اختلاف نکنید... سربازتان از یک برج دیده‌بانی دید که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و آنچه از ارزش‌های آن [که] شما در حوزه‌ها استخوان خُرد کرده‌اید و زحمت کشیده‌اید، از بین می‌رود... این دوره‌ها با همه دوره‌ها متفاوت است، این بار اگر مسلط شدند، از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند. راه صحیح، حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه است.» (وصیت‌نامه‌ی سلیمانی، ۱۳۹۸، ص ۴) در این فقره نیز نشانی از نگاه حرم‌گونه سلیمانی به مسئله دیده می‌شود.

ایشان در جایی دیگر پس از پایان عملیات الحاضر در سوریه در جمع مدافعین حرم می‌گویند: «این تنها دفاع از حرم نیست، این حرم خیلی گسترده است... ما می‌گوییم مدافعان حرم، فکر می‌کنیم مدافعان حرم خلاصه است فقط در دو حرم مقدس عزیز سیده رقیه و سیده زینب. نه این حرم بسیار بزرگی است. این بلا و این طاعون اگر اینجا تثبیت شود، در واقع چاقوی تیز شده‌ای است که خطر بزرگ است هم برای انسانیت، هم برای اسلام، هم برای تشیع، و هم برای مقدسات جمهوری اسلامی ایران است.» (سلیمانی، سایت تسنیم: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰)

شهادت در عراق خاکسپاری در کرمان

یکی از نشانه‌های جغرافیا و حرم در بینش شهید سلیمانی، آرزوی او در «شهادت در عراق و خاکسپاری در کرمان» است. ایشان در جمع دوستان خود همواره تاکید می‌کرد، که خاک عراق حتمی یک ویژگی خاصی داشته است که امام حسین (ع) به آنجا آمد و سپس واقعه عظیم کربلا در آنجا رخ داد، از همین رو همواره آرزوی شهادت در عراق را داشت. (سلیمانی، سایت الف: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳) و از سوی دیگر زادگاه خود را هیچ‌گاه فراموش نکرد. ایشان علیرغم اینکه یک چهره ملی و بین‌المللی بود، هیچ‌گاه زادگاه خود را فراموش نکرد و همواره در مراسم‌های مهم مذهبی، ملی و بین‌المللی، مانند ایام فاطمیه، روز قدس و روز پیروزی انقلاب، آن مراسم‌ها را در کرمان می‌گرفت، که خود نشانی از توجه به ملیت و جغرافیا در مناسبات سیاسی است. او در متن وصیت نامه خود این ارادت و نگاه متفاوت خود را نشان می‌دهد: «نکته‌ای هم خطاب به مردم عزیز کرمان دارم؛ مردمی که دوست‌داشتنی‌اند و در طول ۸ سال دفاع مقدس بالاترین فداکاری‌ها را انجام دادند و سرداران و مجاهدین بسیار والامقامی را تقدیم اسلام نمودند. من همیشه شرمنده آنها

هستم. هشت سال به خاطر اسلام به من اعتماد کردند؛ فرزندان خود را در قتلگاه‌ها و جنگ‌های شدیدی چون کربلای ۵، والفجر ۸، طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس و... روانه کردند و لشکری بزرگ و ارزشمند را به نام و به عشق امام مظلوم حسین بن علی به نام ثارالله، بنیانگذاری کردند. این لشکر همچون شمشیری برنده، بارها قلب ملت‌مان و مسلمان‌ها را شاد نمود و غم را از چهره آنها زدود. عزیزان! من بنا به تقدیر الهی امروز از میان شما رفته‌ام. من شما را از پدر و مادرم و فرزندان و خواهران و برادران خود بیشتر دوست دارم، چون با شما بیشتر از آنها بودم؛ ضمن اینکه من پاره تن آنها بودم و آنها پاره وجود من، اما آنها هم قبول کردند من وجودم را نذر وجود شما و ملت ایران کنم. دوست دارم کرمان همیشه و تا آخر با ولایت بماند. این ولایت، ولایت علی بن ابی طالب است و خیمه او خیمه حسین فاطمه است، دور آن بگردید. با همه شما هستم. می‌دانید در زندگی به **انسانیت و عاطفه‌ها و فطرت‌ها** بیشتر از رنگ‌های سیاسی توجه کردم. خطاب من به همه شما است که مرا از خود می‌دانید، برادر خود و فرزند خود می‌دانید.» (وصیت‌نامه‌ی سلیمانی، ۱۳۹۸، ص ۵)

تشیع پیکر او در شهرهای کاظمین، نجف، کربلا، تهران، مشهد، قم و در انتها خاکسپاری او در کرمان -علیرغم اینکه می‌توانست در هر مکانی که او بخواهد دفن شود- تا کیدی بر دیدگاه ایشان دارد.

کمک به سیل زدگان خوزستان، دفاع از حریم انسانیت

یکی دیگر از نشانگان برجسته، نگاه سلیمانی به مسئله ملت - امت، حضور او در حادثه سیل خوزستان و پیوند دادن ملت ایران و عراق در دفاع از حریم انسان‌ها بود. جمله‌ای که ایشان در این داستان مطرح می‌کند، نمود برجسته نگاه او به مسائل است نگاهی که برآمده از مبانی اسلامی است. ایشان در این حادثه گفتند: «امام^(ره) در بخش عرفان، مهمترین بخش را اخلاق و خدمت به مردم می‌داند. بسیاری از جوانان که زمان جنگ در ایران را تجربه نکردند، امروزه خواستار حضور در برخی از مناطق سوریه هستند و داوطلب برای دفاع از حرم هستند. باید به آن‌ها گفت، همین رسیدگی به مردم سیل‌زده خوزستان خودش یک دفاع از حرم است. دفاع از حرم چیست؟ چه چیزی بالاتر از این است که یک انسان کرامتش حفظش شود، از خانه‌اش آواره نشود. حریمی

بالا تر از این وجود دارد؟ همه دفاع‌ها برای دفاع از حریم انسانیت است. این جهاد بهترین جهاد است، دفاع از حریم انسانیت است.» (سلیمانی، سایت باشگاه خبرنگاران جوان: ۱۳۹۸/۱۰/۲۶)

این جمله، بدون هیچ پیرایه و آشکارا نگاه سلیمانی به مسئله دفاع و امنیت را نشان می‌دهد. در واقع دفاع از حریم انسانیت اولویت و اصل است و در این راه تفاوتی میان حرم زینب و حرم انسان سیل زده مظلوم نمی‌کند. تفاوت تنها در ضرورت زمانی دفاع است و هر جا مظلومی بود، دفاع لازم است.

تشکیل و حمایت از نیروها در داخل مرزها فراتر از قومیت و نژاد و ساختار دولتی

یکی از نشانه‌های دیگر نگاه شهید سلیمانی در خصوص تشکیل نیروهای فراملیتی است که بدون توجه به مرز و دولت، با یک هدف واحد در کنار هم بودند، زینیون افغانستان، فاطمیون پاکستان، حشدالشعبی عراق، حزب الله سوریه، حزب الله لبنان و ده‌ها گروه دیگر که بدون توجه به ساختارهای سیاسی مدرن ایجاد شده‌اند. چنین کار عظیمی به نوعی مقابله عملی با تفکر غربی است که با ایجاد تفکر دولت ملت، انسانها را از یکدیگر جدا کردند و زمینه جنگ‌های بیهوده‌ای را در عصر کنونی رقم زدند. نمونه‌ی بارز این گروه‌ها حشدالشعبی است که از نامش مشخص است که با هدف کمک به ملت عراق تاسیس شد، اما اگر ضرورت ایجاد کند به مثابه نیرویی فرامرزی و یا به مثابه «رزمندگان بدون مرز» به خدمت اسلام درمی‌آیند.

وحدت حول محور یک حرم

نشانه‌ی دیگر نگاه سلیمانی که تبیین کننده نظریه حرم است، تاکید او بر نگاه فرا جناحی است، او هم در عمل خود و هم در گفتار خود، این را نشان می‌داد. این رویکرد ناشی از همان دیدگاهی دینی است، که انسان‌ها قبل از اینکه رنگ‌های سیاسی آن‌ها را از هم جدا کند، یک رنگ داشتند و آن رنگ الهی بود، لذا نگاه او به انسان‌ها تنها با رنگ الهی بود. در این زمینه ایشان می‌فرمایند: «وقتی من را مسئول حفظ یک پل می‌گذارند، باید بدانم که وظیفه‌ام فقط حفظ همین پل نیست بلکه این پل یک محیطی دارد اگر آن محیط سقوط کرد، پل هم سقوط خواهد کرد. مسجد مانند یک قرارگاه است و بر تمام جامعه اثر می‌گذارد نه فقط بر محیط خود. اگر مقیاس ما فقط محیط خود مسجد باشد، باخته‌ایم. اینکه در جامعه مدام بگوییم او بی حجاب و این باحجاب است یا اصلاح طلب و اصولگراست، پس چه کسی می‌ماند؟ اینها همه مردم ما هستند. آیا همه بچه‌های

شما متدین‌اند؟ آیا همه مثل هم هستند؟ نه. اما پدر، همه اینها را جذب می‌کند و جامعه هم خانواده شماست. اینکه بگوییم من هستم و بچه‌های حزب الهی خودم، اینکه نمی‌شود حفظ انقلاب. امام جماعت باید بتواند با حجاب و بی‌حجاب را با هم جذب کند. ما وقتی وارد عراق شدیم، بین منافع خودمان و عراق تفاوتی قابل‌نشدیم و دنبال چاه نفت و تصرف شهری مثل موصل و کرکوک نبودیم. دنبال مطالبات ارزی هم نبوده و نیستیم. ما بخاطر منافع شیعی به فلسطین کمک نمی‌کنیم... چون ۹۹،۹۹ درصد فلسطین اهل تسنن هستند و ما از آنها دفاع می‌کنیم. همه دعوی ما با عالم غرب و در عالم اسلام، بر سر مسجد است، بر سر مسجد الاقصی و مسجد الحرام است» (سلیمانی، خبرگزاری مهر: ۱۳۹۶/۵/۲۹) در این فقره نیز سلیمانی نشان می‌دهد که دفاع از حرم امری فراتر از مرزهای سیاسی و دنیوی است.

ایران و العراق لا یمكن الفراق

یکی دیگر از نشانگان پیوند میان ملت‌های مسلمان، بر اساس نظریه حرم در داستان کمک مردم سیل زده خوزستان و پل دختر مشاهده کردیم که مدافعان حرم عراقی، برای دفاع از حریم انسانیت، بدون توجه به مرزهای سیاسی به کمک برادران دینی خود شتافتند. آیت‌الله خامنه‌ای نیز در همین خصوص می‌فرماید: «ما -ایران و عراق- دو ملت هستیم متصل به یکدیگر؛ تن‌های ما، دل‌های ما، جان‌های ما به یکدیگر متصل است؛ آنچه این اتصال را ایجاد کرده است، ایمان بالله و محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) است، محبت به حسین بن علی (علیه‌السلام) است؛ روزه‌روز هم این زیاد خواهد شد ان شاء الله. دشمنان توطئه می‌کنند اما توطئه‌ی دشمنان اثری نخواهد کرد.» (خامنه‌ای، سایت خامنه‌ای دات ای آر: ۱۳۹۸/۶/۲۷) تاریخی‌ترین جمله شهید سلیمانی که نشانی از نظریه حرم است، در همین حادثه سیل خوزستان رخ داد. چنان که در بالا هم به آن اشاره شد. سلیمانی در ایام سیل خوزستان و هنگام حضورش در کنار روستاهای سیلاب گرفته، گفت: «در حال حاضر بسیاری اصرار می‌کنند که برای دفاع از حریم اهل بیت به سوره اعزام شوند اما خوزستان در این حادثه نوعی دفاع از حرم است زیرا دفاع از حرم چه چیزی بالاتر از این است که کرامت یک انسان را حفظ کنید تا از خانه اش آواره نشود...» آن روزها گروهی از نیروهای حشد الشعبی و «جنبش النجباء» که یکی از چهل و چند تشکل تحت هدایت بسیج مردمی عراق است با

یک صد خودرو سبک و سنگین و تجهیزاتشان از مرز مهران وارد ایران و روانه نواحی سیل زده شده‌اند. برخی هم از حضور نیروهای جهادی فاطمیون متشکل از داوطلبان مدافع حرم از همسایگان شرقی، در استان لرستان برای یاری رساندن به سیل زدگان خبر دادند. این کنش‌ها در واقع نمود منش سلیمانی بود.

ما ملت امام حسینیم

یکی دیگر از نشانه‌های نگاه سلیمانی به مسئله امنیت جمله تاریخی او در مورد ملت امام حسین (ع) بودن ایران و هر انسان آزاده دیگری است که جلوی مظاهر اهریمن و استکبار در عصر کنونی که امریکا باشد، می‌ایستد. ایشان در یکی از سخنان خود در این خصوص فرمودند: «ما ملت شهادتیم، ما ملت امام حسینیم، بهتر است بررسی، ما حوادث سختی را پشت سر گذاشتیم. ما تشنه شهادت و از بین بردن استکباریم...» (سلیمانی، باشگاه خبرنگاران جوان: ۱۳۹۸/۶/۱۸) این سخن خود نشان می‌دهد که آن چیزی که ملت‌های مقاومت را به یکدیگر پیوند می‌دهد، پیوستگی آنها به انسان کاملی مانند امام حسین است که راه او را ادامه می‌دهند. نمونه‌های بسیار دیگری در این خصوص وجود دارد، اما به واسطه محدودیت در این مقاله تبیین بیشتر آن را به پژوهشی دیگر موکول می‌کنیم. در پایان سخنانی از مقام معظم رهبری در وصف شهید سلیمانی که به نوعی نمودی از پیوند دهنده دو مفهوم ملت و امت در شخصیت ایشان دارد، را می‌آوریم.

شهید سلیمانی، هم قهرمان ملت ایران و هم قهرمان امت اسلامی

«... شهید [سلیمانی]، هم قهرمان ملت ایران شد و هم قهرمان امت اسلامی شد؛ این نکته‌ی اساسی است. ایرانی‌ها هم به خودشان افتخار کنند که مردی از میان آنها از یک روستای دورافتاده برمی‌خیزد، تلاش می‌کند، مجاهدت می‌کند، خودسازی می‌کند، تبدیل می‌شود به چهره‌ی درخشان و قهرمان امت اسلامی؛... اما قهرمان ملت ایران است، به خاطر اینکه ملت ایران داشته‌های فرهنگی خودش و معنوی خودش و انقلابی خودش را و ارزشهای خودش را در او متبلور دید، در او مجسم دید. ایشان هنوز زنده بود و رفت و آمد می‌کرد -خیلی هم معمولی؛ هیچ پیرایه‌ای هم برای خودش قائل نبود- که من می‌دیدم در این خیابان‌ها عکسهای او زده‌اند و به او افتخار

می‌کنند. وقتی شهید شد، فقط انقلابی‌ها نبودند که او را تکریم کردند و بزرگداشت برای او در ذهن و عالم واقع و خارج ایجاد کردند [بلکه] همه‌ی اقشار نسبت به او -حتی کسانی که انتظار نمیرفت نسبت به یک عنصر انقلابی، این جور ابراز احساسات بکنند- ابراز احساسات کردند؛ چرا؟ به خاطر همین: تبلور ارزشهای فرهنگی ایرانی و ایران بود؛ این خیلی باارزش است. از طرفی دارای شجاعت و روحیه‌ی مقاومت بود؛ شجاعت و مقاومت جزو خصلتهای ایرانی است. زبونی و عقب‌نشینی و انفعال و مانند اینها ضد روحیه‌ی ملی ما است. آنهایی که ادعای میّت می‌کنند و عملاً زبونی از خودشان نشان می‌دهند، دچار تناقضند. و او مظهر شجاعت بود، مظهر مقاومت بود؛ این را همه مشاهده می‌کردند و میدیدند... پس قهرمان ملت ایران شد.

از طرفی، گفتیم قهرمان امت اسلامی است؛ چرا؟ چون شهید سلیمانی با حرکات خود و بالاخره با شهادت خود -شهادتش هم مکمل این معنا بود- اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام شد. الان در دنیای اسلام هر جایی که بنای مقاومت در مقابل زورگویی استکبار را داشته باشند، مظهرشان و اسم رمزشان شهید سلیمانی است. در کشورهای مختلف او را احترام می‌کنند، تکریم می‌کنند، عکسش را میزنند، نامش را پخش می‌کنند، برایش مجلس درست می‌کنند. در واقع ایشان نرم‌افزار مقاومت را و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد، به ملت‌ها سرایت داد، در ملت‌ها رایج کرد؛ اینها خب نقشهای خیلی مهم و بسیار حساسی است؛ لذاست که ایشان به معنای واقعی کلمه، یک شخصیت برجسته و یک چهره‌ی قهرمانی اسلامی است.». (خامنه‌ای، سایت خامنه‌ای دات ای ار: ۱۳۹۹/۹/۲۶)

نتایج و پیشنهادات

در کنش، منش و بینش شهید سلیمانی، آنچه اولویت دارد، دفاع از حریم انسانیت است، نه نژاد، قومیت و یا هویت‌های برساخته‌ی دیگر. اما تعریف او از انسانیت، بر اساس مبانی دینی است. انسانی که بتواند به مقام خلیفه الهی نزدیک شود، او دارای یک حریمی می‌شود که محافظت از حریم او وظیفه هر انسان مومنی است. بنابراین در نگاه او «حریم» صرفاً به معنای بارگاه امامان و بزرگان دین نیست، هرچند که آنها نیز به واسطه رسیدن به همین مقام انسان الهی، دارای حریم و حرمتی شدند، اما دایره این حریم محدود به بارگاه آنها نیست و هر نقطه‌ای از جهان، انسان آزاده‌ای که خود را نزدیک به این مقام کرد، دارای حرمت می‌شود. بدین سان دفاع او از مردم

ایران، نه به واسطه مسائل قومی و نژادی، بلکه به واسطه این بود که مردم ایران، از میان همه ملت‌های مسلمان در جهان بی روح و بی خدای قرن بیستم که همه بر نژاد و ملت خود تاکید داشتند، بنا را بر اصل توحید گذاشت و انقلابی بزرگ را انجام دادند و روح جهان بی روح شدند. بر اساس همین منطق دفاع او از شیعیان و سپس مسلمانان و سپس سایر انسان‌های آزاده معنا می‌شود. به تعبیر دیگر هر کجا ملتی برای دفاع از اصول انسانی خود در مقابل هر ظالمی به پا خواست، آنجا حرمی می‌شود که سایر انسان‌های آزاده باید به کمک آنها بشتابند و این کمک‌ها باید اینقدر ادامه یابد که کل زمین تبدیل به حرم امن آلهی شود. این دیدگاه شهید سلیمانی، در واقع مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی دینی است که در این پژوهش فرصت ریشه‌یابی آن ممکن نبود و امید است در پژوهش دیگری، با رویکردی پارادایمی مبانی فکری سلیمانی در این خصوص تبیین شود. بنابراین با توجه به مسئله‌ی مقاله حاضر در بحران دوگانه‌ی امت-ملت محوری شهید سلیمانی با اتکا به مبانی فقهی و عملی کردن آن در فضای بحرانی، راه‌حلی ارائه داد که بهتر می‌توان در عصر دولت-ملت مسائل جهان اسلام را حل کرد. نگاه حرمی نتایج زیر را به همراه دارد:

- جنگ و صلح دیگر بر اساس هویت‌های قومی و نژادی صورت نمی‌گیرد.
- پیوند انسان‌ها بر اساس مبانی انسان‌شناختی الهی است.
- مرزهای سیاسی برای تصمیمات سیاسی فرومی‌پاشد، اما همچنان در مباحث حقوقی مرزهای سیاسی وجود دارد.
- صرفاً ملت و یا امت در اولویت تصمیم‌گیری‌ها نیستند، بلکه آنها در یکدیگر ذیل اصل انسانیت حل می‌شوند.
- مرزهای سرزمینی از مرزهای سیاسی و هویت انسانی از هویت ملی تفکیک می‌شود و افراد دیگر نه برای اختلافات قومی بلکه برای حمایت از مقام انسانیت به چنگ با دشمنان انسانیت می‌پردازند.
- نگاه حرمی برخلاف نظریه ام‌القرا که نگاهی از بالا به سایر ملل مسلمان دارد و آنها موظف به حفظ منافع ام‌القرا می‌داند. در این نظریه نگاه برادارانه دارد و طبیعی است این نظریه پذیرش بیشتری برای ملت‌های مسلمان دارد و همچنین میان واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی پیوندی متعادل برقرار می‌کند.

• همچنین نگاه حرمی ضعفهای نگاه ملی‌گرایی و ناکارآمدی نگاه اسلام‌گرایی را پوشش می‌دهد و هم نگاه ملی‌گرایی را تقویت و هم نگاه اسلام‌گرایی را کارآمد و قابل‌پذیرش می‌کند.

به عبارت دیگر، در نگاه شهید سلیمانی انسان طایر گلشن قدسی بود اما در این دامگه حادثه گرفتار شده و هر ملتی زودتر خود را از این دام دنیایی برهاند باز خلیفه خدا می‌شود و چنان حرمتی پیدا می‌کند که فرشتگان به او سجده می‌کنند. چراغ راهنمای بشر در این مسیر پیامبر و ائمه است، و لذا بارگاه آنها حرم امن الهی است و سپس شیعیانی که پیرو راه آنها هستند، و سپس مسلمانانی که این راه را می‌شناسند و در این راه قدم برمی‌دارند و در انتها هر انسان آزاده‌ای که در این مسیر قدم برمی‌دارد که به تعبیر شاعر گم‌نام بلاهای بسیاری دارد: هر که درین بزم مقرب‌تر است / جام بلا بیشترش می‌دهند. هر که بود طالب دیدار دوست / آب دمی بیشترش می‌دهند. در آن رو که در این پژوهش فرصت بررسی ابعاد مختلف بحث حرم در سیاست خارجی فراهم نشد در قالب پیشنهاد محورهای پژوهش زیر را برای بررسی بیشتر پیشنهاد می‌شود.

- مقدمه‌ای بر نظریه حرم؛ مولفه‌ها و شاخصه‌ها.
- مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی نگاه حرمی
- نشانه‌های نگاه حرمی در اندیشه‌ی امامین انقلاب اسلامی
- تحلیل حمایت ایران از فلسطین براساس نگاه حرمی
- تحلیل و نقد ورود ایران به پرونده سوریه براساس نگاه حرمی

...و

فهرست منابع

- اکبری مزدآبادی، علی (۱۳۹۸) ذوالفقار؛ برش‌هایی از خاطرات شفاهی حاج قاسم سلیمانی، تهران: یازهرا.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۳) دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید.
- بابایی زارچ، علی محمد (۱۳۸۳) امت و ملت در اندیشه‌ی امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بازارگان، مهدی (۱۳۶۱) حکومت جهانی واحد، تهران: نشر پیام آزادی.
- شیخ شعاعی، محمدعلی (۱۳۸۷)، ناسیونالیسم از دیدگاه اسلام، قم، دفتر عقل.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۶۴)، ناسیونالیسم، حاکمیت ملی و استقلال، تهران: نشر پرش.
- طائی، نجاح (۱۳۶۹) سیر اندیشه ملی‌گرایی، ترجمه عقیقی بخشایشی، تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- طایری، سجاد (۱۳۹۷) انسان، حرم، جغرافیا، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- حجتی کرمانی، محمدجواد (۱۳۸۴) ملی‌گرایی و نهضت آزادی ملل اسلامی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۷۶) مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۹۲) حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: نشر میزان.
- فیراحی، داوود (۱۳۸۲)، نظام سیاسی دولت در اسلام، تهران: نشر سمت.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹) مقولاتی در استراتژی ملی، تهران: مرکز ترجمه و نشر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵) خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران صدرا.
- نصیری، محمد (۱۳۹۰)، حقوق بین الملل خصوصی، تهران: آگه.
- سازگار، محمدحسین (۱۳۸۱)، «اسلام‌گرایی»، مجله‌ی بازتاب اندیشه، شماره ۲۸.
- خلیجی اسکویی، محسن؛ ارسطو، عبدالکریم (۱۳۸۸) «ملی‌گرایی و وحدت اسلامی، تعامل یا تقابل؟»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دهم، شماره ۴.
- غرویان، محسن؛ قوامیان، شاکر، (۱۳۸۰) «ملی‌گرایی ناسیونالیسم از دیدگاه اسلام»، مجله‌ی معرفت، شماره ۵۰
- کمالی گوکی، محمد؛ شکوری، ابوالفضل (۱۳۹۹) «انسان تعین‌ناپذیر در اندیشه پیکودلامیراندولا؛ بنیانی برای حقوق بشر غربی» فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره یک.
- https://tn.ai/2202443
 http://fna.ir/dcic62
 https://fa.alalamtv.net/news/
 https://nigc.ir/index.aspx?siteid=1&fkeyid=&siteid=1&pageid=241&newsview=14879
 https://www.alef.ir/news/3991013113.html
 https://www.yjc.ir/00UrwS
 https://www.yjc.ir/fa/news/7211710 کمک به مردم سیل زده مانند دفاع از حرم است
 https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46944
 M. Ghayasuddin (1986) The Impact of Nationalism On the Muslim World, (London: The Open Press, Al-Hoda Publishers.
 Piscatori, James (1872) Islam in a World of Nation-States, Cambridge University Press.

